روش‌شناسی تاریخی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای
مبتنی بر کتاب «انسان ۲۵۰ ساله»

غلامحسن محرمی/ استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی Moharrami47@gmail.com

مهدی تابنده/ کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات و پژوهشگر مؤسسهٔ پژوهشی انقلاب اسلامی Tabande30@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۰/۰۸/۱۹

چکیده

این مقاله کوشیده است روشی را که آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای براساس آن به تحلیل تاریخ می‌پردازند، دریابد. بدین‌منظور کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» را که از بیانات ایشان تدوین شده، به‌عنوان موضوع مطالعاتی انتخاب کرده است. شناخت دقیق این روش ما را به فهم بهتر سخنان رهبر انقلاب و استفاده کاربردی از آن رهنمون می‌شود. در این زمینه توجه به تاریخ صدر اسلام و دورهٔ امامت، علاوه بر برجستگی بُعد تاریخی آن، به‌سبب آنکه اکثریت جامعه ایران را شیعیان تشکیل می‌دهند، از اهمیت قابل‌توجهی برخوردار است. اینکه رهبر انقلاب به‌عنوان رهبر امت اسلامی، چگونه به این مقطع تاریخی می‌نگرند، اهمیت این پژوهش را بیشتر می‌کند. ازاین‌رو، در این پژوهش سعی شده تا نشان داده شود که آیت‌الله خامنه‌ای با نگاهی جامع و روشمند به مطالعهٔ تاریخ و به‌ویژه تاریخ صدر اسلام پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: سند، روایت، روش، انسان ۲۵۰ ساله، سیدعلی خامنه‌ای.

مقدمه

شناخت روشی که *آیت‌الله خامنه‌ای* در تحلیل تاریخ از آن استفاده می‌کند و میزان تسلط ایشان بر تاریخ، هدف این پژوهش است. اهمیت این پژوهش در آن است که تحلیل تاریخ نیاز به خبرگی در تاریخ دارد و نمی‌توان بی‌محابا و بدون داشتن زمینهٔ علمی به سراغ تاریخ رفت. حال سؤال این است که رهبر انقلاب چگونه و با استفاده از چه روش‌هایی به توصیف و تحلیل تاریخ زندگانی ائمهٔ اطهار﵈ می‌پردازند؟

برای پاسخ به این سؤال، کتاب ***انسان ۲۵۰ ساله*** که برگرفته از بیانات تاریخی و متون دست‌نویس معظم‌له درباره ائمهٔ اطهار﵈ است، به‌عنوان نمونهٔ مطالعاتی انتخاب گردید. این کتاب شامل هفده فصل است که به‌ترتیب تاریخی زندگی معصومان﵈ گردآوری شده است.

سؤالات تحقیق این‌گونه تنظیم شده است: روش تحلیل تاریخی معظم‌له در کتاب مزبور چگونه بوده است؟ منابع استفاده‌شده توسط ایشان در تاریخ کدام است؟ ایشان چه میزان به سند گزارش توجه داشته است؟ شاخص‌های تحلیل تاریخ در کتاب مزبور چیست؟

در بررسی‌های انجام‌شده به این نتیجه رسیدیم که تاکنون در هیچ تحقیقی روش‌های تحلیل تاریخی معظم‌له بررسی نشده و بدین‌روی مقالهٔ حاضر از این حیث دارای اهمیت است که علاوه بر گشودن بابی جدید در شناخت منظومه فکری معظم‌له، برخی ابعاد تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری *آیت‌الله خامنه‌ای* را نیز به نمایش می‌گذارد.

براین‌اساس، سه محور در مقاله مدنظر است: نخست بررسی منابع استفاده‌شده رهبر انقلاب در روایت تاریخ، که از حیث آماری به تشریح منابع و میزان استفاده از هر منبع در فصول کتاب می‌پردازیم. دوم بررسی میزان توجه معظم‌له به سند گزارش‌های تاریخی است. در این‌باره به بیان ظرافت‌های حدیث‌شناسی در نگاه ایشان پرداخته و کیفیت روایات از حیث نوع خبر بررسی گردیده است. سوم شاخص‌های تحلیل متن از نظر معظم‌له تبیین گردیده است. در این‌باره، مقدمه و ۱۷ فصل کتاب بررسی شد که ـ در مجموع ـ ۱۶ ویژگی در روش تحلیل ایشان کشف گردید. در پایان پژوهش نیز نتیجه بیان گردیده است.

منابع استفاده مقام معظم رهبری در روایت تاریخ

در بررسی کتاب مشهود است که معظم‌له در بیان تاریخ، از انواع منابع قرآنی، حدیثی، کلامی، رجالی و تاریخی استفاده می‌کند. در زمینه قرآن، از سوره‌های انبیاء، آل‌عمران، قلم، علق، انعام، جمعه، حجر، حدید، انفال، بقره، فتح، توبه، روم، منافقون، مائده، مریم، نساء، اعراف، صف و کوثر استفاده شده است.

در باب منابع حدیثی از کتاب‌های ***بحار الانوار*** مجلدات ۶، ۱۷، ۱۹، ۲۶، ۳۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۲، ۷۲، ۷۵ و ۹۹؛ ***کافی***، مجلدات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۸؛ ***شرح اصول کافی***، جلد ۱؛ ***عیون اخبارالرضا***، جلد ۲؛ ***احتجاج***، جلد ۱و۲؛ ***تحف‌العقول***؛ ***نهج‌البلاغه***؛ ***شرح نهج‌البلاغه***، مجلدات ۴، ۱۶و۱۸؛ ***وسائل الشیعه***، مجلدات ۵و۱۱؛

الحیات، جلد ۲؛ ***مناقب مناقب آل ابی‌طالب***، مجلدات ۲، ۳و۴؛ ***تصنیف غرر الحکم و درر الکلم***؛ ***دعائم الاسلام***، جلد ۲؛ ***نثر الدر***، جلد ۳؛ ***روضة المتقین***، جلد ۵؛ ***عوالم العلوم والمعارف***، جلد ۱۱ و ***جامع احادیث الشیعه***، جلد ۲۳ استفاده کرده است.

در خصوص منابع کلامی از دو کتاب ***التعجب من اغلاط العامة فی مسألة الامامه*** و کتاب ***کمال الدین*** و ***تمام النعمه***، جلد ۱ بهره برده‌اند.

درباره منابع رجالی از کتاب‌های ***قاموس الرجال***، مجلدات ۲و۸؛ ***رجال نجاشی***؛ ***درجات الرفیعه***؛ و ***اعیان الشیعه***، جلد ۱ استفاده نموده‌اند.

از منابع تاریخی، کتاب‌های ***الکامل***، جلد ۵؛ ***اخبار الطوال***؛ ***ارشاد***، جلد ۲؛ ***لهوف***؛ ***انساب الاشراف***، جلد ۷؛ ***تاریخ طبری***، مجلدات ۵و۷؛ ***تاریخ یعقوبی***، جلد ۲؛ ***ثورة الحسین***؛ ***جهاد الشیعه***؛ ***سیرة النبویه***، جلد ۲؛ ***صلح امام حسن***؛ و ***طبقات الکبری ابن‌سعد***، مجلدات ۱و۲ مورد استفاده قرار گرفته است.

همچنین معظم‌له از برخی کتب دیگر مانند ***گلستان سعدی***، ***طبقات الشعرا***؛ ***مغنی اللبیب*** و ***إزالة الخفاء عن خلافة الخلفاء*** (از کتب اهل‌سنت) نیز استفاده نموده است.

بیشترین استفاده ـ به‌ترتیب ـ از منابع حدیثی، قرآنی، تاریخی، رجالی و کلامی بوده است. از مقدمه تا فصل ششم، عمدتاً از منابع حدیثی و قرآنی استفاده شده و از فصل هفتم به بعد منابع تاریخی جایگزین منابع قرآنی گردیده است:

ـ در مقدمه کتاب از منابع حدیثی، جلد چهارم ***الکافی***، جلد ششم ***بحار الانوار*** و جلد دوم ***عیون اخبار الرضا***؛ و از منابع قرآنی، آیات ۱۱۱ انبیا و ۱۶۴ آل‌عمران؛

ـ در فصل «پیامبر» از منابع قرآنی؛ آیات ۴ قلم، ۱ علق، ۱۲۵ انعام، ۲ جمعه، ۹۱ حجر، ۲۵ حدید، ۱۵۲و۱۶۴ آل‌عمران، ۷و۸ انفال، ۱۴۳ بقره، ۱ فتح، ۷۷و۱۲۵ توبه، ۱۰ روم، ۸ منافقون، ۳ مائده، ۱۲ مریم؛ منابع حدیثی ***نهج‌البلاغه***، جلد ۱؛ ***احتجاج***، جلد ۱و۲؛ ***الکافی***، جلد ۱۷؛ ***بحار الانوار***، ***تحف العقول***، جلد ۱؛ ***شرح اصول کافی***، جلد ۱۱؛ ***وسائل الشیعه***؛ و منابع تاریخی از جلد دوم ***سیرة النبویه***؛

ـ در فصل «امامت» از منابع قرآنی، آیهٔ ۵۹ نساء و از منابع حدیثی ***نهج‌البلاغه***؛ و جلد یک ***الکافی***؛

ـ در فصل «امیرالمؤمنین» از منابع قرآنی آیات ۱۰۴و۲۰۷ بقره، ۲۹ فتح و ۳۳ اعراف و منابع حدیثی ***نهج‌البلاغه***؛ جلد دوم ***الحیاة***؛ جلد چهارم ***الکافی***؛ جلد دوم ***مناقب آل ابی‌طالب***؛ جلدهای ۳۲و۴۴ ***بحار الانوار***؛ ***تصنیف غرر الحکم و درر الکلم***؛ جلد دوم ***دعائم الاسلام***؛ جلد هجدهم ***شرح نهج‌البلاغه***؛ جلد سوم ***نثر الدر***؛

ـ در فصل «حضرت فاطمه زهرا» از منابع قرآنی، آیات ۸ صف و ۱ کوثر؛ حدیثی، جلد ۲ ***الکافی***؛ جلد ۴۳ ***بحار الانوار***؛ جلد ۵ ***روضة المتقین***؛ جلد سوم ***مناقب آل ابی‌طالب***؛ و کتاب کلامی ***التعجب من اغلاط العامة فی مسألة الامامه***؛

ـ در فصل «امام حسن﵇» از منابع قرآنی، آیات ۲۰۴و۲۰۷ بقره و ۵۴ آل‌عمران؛ حدیثی جلد ۱ ***الاحتجاج***؛ مجلدات ۱و۵و۸ ***الکافی***؛ مجلدات ۴۴و۷۵ ***بحار الانوار***؛ ***تحف العقول***؛ جلد ۱۹ ***شرح نهج‌البلاغه***؛ جلد ۱۱ و کتاب رجالی ***عوالم العلوم و المعارف***؛

ـ در فصل «امام حسین﵇» از منابع قرآنی، آیات ۷۳ توبه، ۲۰ حدید و ۵۴ مائده؛ منابع حدیثی جلد دوم ***الکافی***؛ جلد ۴۴ ***بحار الانوار***؛ و کتاب رجالی جلد ۱ ***اعیان الشیعه***؛

ـ در فصل‌های هفتم تا نهم که دربارهٔ امام سجاد﵇ و وقایع پس از عاشوراست، از منابع قرآنی، آیات ۵۴و۷۸ کهف، ۳۸ حج، ۱۷۸ آل‌عمران؛ منابع حدیثی، مجلدات ۶و۴۴ و ۴۵و۴۶ و ۴۸و۷۵ ***بحار الانوار***؛ جلد ۴ ***شرح نهج‌البلاغه***؛ جلدهای ۲و۸ ***الکافی***؛ و ***تحف العقول***؛ منابع تاریخی، ***اخبار الطوال***؛ جلد ۷ ***انساب الاشراف***؛ جلد ۵ ***تاریخ طبری***؛ جلد ۲ ***اللهوف***؛ جلد ۲ ***تاریخ یعقوبی***؛ جلد ۲ ***الطبقات الکبری*** *ابن‌سعد* و دو منبع ادبی ***طبقات الشعراء*** و ***مغنی‌اللبیب***؛

ـ در فصل «امام باقر﵇» از منابع قرآنی، آیات ۸۶ هود، ۱۵و۳۱ مریم؛ منابع حدیثی جلد ۱ ***الکافی*** و جلدهای ۲۶و۴۶ ***بحار الانوار***؛ جلد ۴ ***شرح نهج‌البلاغه***، جلد ۴ ***مناقب آل ابی‌طالب*** و کتاب رجالی ***قاموس الرجال***؛

ـ در فصل یازدهم که توصیف اواخر امامت امام باقر﵇ و اوایل امامت امام صادق﵇ است، از منابع حدیثی، جلد ۴۷ ***بحار الانوار*** و تاریخی، جلد ۵ ***الکامل*** و جلد ۱ ***الطبقات الکبری*** *ابن‌سعد*؛

ـ در فصل «امام صادق﵇» از منابع قرآنی، آیات ۱۶۷ بقره و ۳۱و۳۲و۳۳ سبأ، ۱۹ تا ۱۰۲ شعراء، ۹۷ نساء؛ منابع حدیثی جلد ۱ ***الاحتجاج***؛ جلد ۱ ***الکافی***؛ جلد ۴ ***مناقب آل ابی‌طالب***؛ جلدهای ۴۷و۷۲ ***بحار الانوار***؛ و ***مرآت العقول***؛

ـ در فصل «تشکیلات پنهان» از منابع حدیثی، ***تحف العقول*** و منابع تاریخی، جلد ۷ ***تاریخ طبری***؛ ***جهاد الشیعه***؛ ***صلح امام حسن﵇***؛ و ***ثورة الحسین﵇***؛

ـ در فصل «امام کاظم﵇» از منابع حدیثی، جلد ۴۸ ***بحار الانوار***؛ جلد ۸ ***الکافی***؛ و جلد ۲ ***الاحتجاج***؛

ـ در فصل «امام رضا﵇» از منبع تاریخی، ج ۲ ***الارشاد***؛

ـ در فصل شانزدهم «امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری﵈» از منابع قرآنی، آیهٔ ۱۲ مریم؛ منابع حدیثی جلد ۴ ***مناقب آل ابی‌طالب***؛ و منبع رجالی ***رجال النجاشی***؛

ـ در فصل «غایت انسان ۲۵۰ ساله» از منابع قرآنی، آیات ۱۲۸ اعراف و ۵ قصص؛ منابع حدیثی ***نهج‌البلاغه***؛ جلدهای ۱و۳و۴ ***الکافی***؛ جلدهای ۵۲و۹۹، ***بحار الانوار***؛ ***تصنیف غرر الحکم و درر الکلم***؛ جلد ۲۳ ***جامع احادیث الشیعه***؛ منبع کلامی، جلد ۱ ***کمال الدین و تمام النعمه*** استفاده شده است.

نکته اینکه موضوع پراهمیت «تاریخ امامت» این اقتضا را دارد که صرفاً به منابع تاریخی اکتفا نشود و از سایر منابع مورد قبول دانشمندان اسلامی نیز استفاده گردد. بدین‌روی ایشان با اشراف بر این نکته، از لابه‌لای منابع به تحلیل‌های بدیعی دست یافته که دسترسی به آنها به‌سهولت برای یک مورخ صِرف امکان‌پذیر نیست.

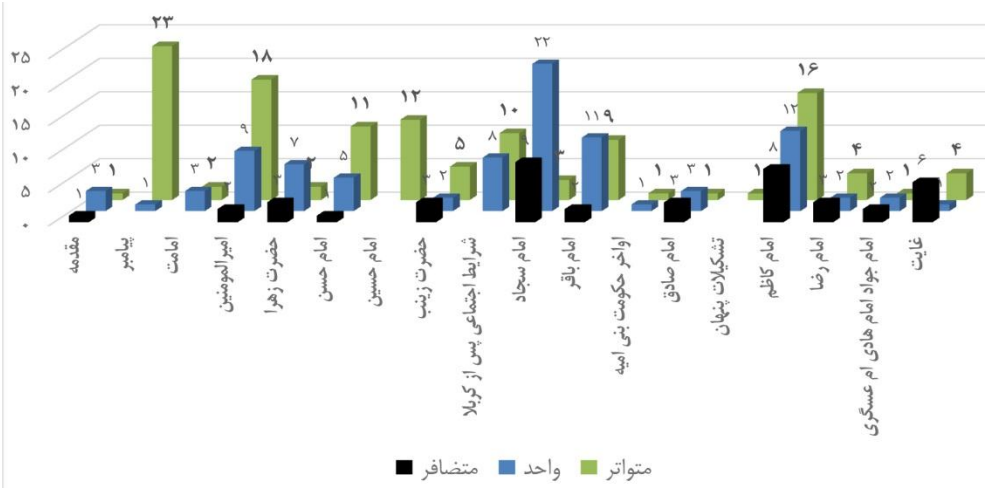
میزان توجه رهبر انقلاب به سند روایت

«مهم‌ترین وظیفهٔ ما بررسی در سند حدیث و متن حدیث است» (فیض، ۱۳۸۴، ص۴۴). در بررسی ۲۵۸ روایت حدیثی و گزارش تاریخی استفاده‌شده در متن کتاب، به این نتیجه رسیدیم که ۴۷.۹٪ روایات، جزو مشهورات تاریخی یا احادیث متواتر، ۱۶.۶٪ روایات متضافر و ۳۵.۵٪ خبر واحد هستند. در نمودار (۱) نسبت استفاده از انواع حدیث در هر فصل کتاب ارائه شده است.

عمده روایات فصل‌های پیامبرﷺ، امیرمؤمنان، امام حسن، امام حسینؑ، شرایط اجتماعی و سیاسی پس از حادثهٔ کربلا، امام کاظم و امام رضاؑ متواتر و مشهور هستند. در فصل‌های مقدمه، امامت، حضرت فاطمه زهراؑ، امام سجاد و امام باقرؑ عمده روایات استفاده‌شده خبر واحد محسوب می‌شوند. در فصل غایت حرکت انسان ۲۵۰ ساله، بیشتر از روایات متضافر استفاده شده است.

در فصل‌های امیرمؤمنانؑ، شرایط اجتماعی و سیاسی پس از حادثهٔ کربلا، امام باقر و امام کاظمؑ روایات متواتر و واحد و در فصل غایت حرکت انسان ۲۵۰ ساله، تعداد روایات متواتر و متضافر تقریباً برابر است. حجم استفاده از روایات متضافر در دو فصل امام سجاد و امام کاظمؑ چشمگیر است.

نمودار ۱: نمایه مضمون کتاب براساس نوع روایت و گزارش‌های استفاده‌شده



معظم‌له دقت ویژه‌ای در صحت روایات دارند و بعضاً به آن اشاره نموده‌اند:

روایاتی در بعضی از کتب هست که حاکی از اظهار تذلّل حضرت سجاد﵇ پیش مسلم‌بن عقبه است و من هم این روایت‌ها را تکذیب قطعی می‌کنم؛ برای اینکه اولاً، این روایات به‌هیچ سند صحیحی متکی نیست. ثانیاً، روایات دیگری وجود دارد که آنها را از جهت مضمون تکذیب می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص۲۲۸).

ایشان در شعر «ما توهمتُ یا شقیق فؤادی» تشکیک می‌کند: «اگر این شعری که به حضرت زینب﵂ منسوب است درست باشد...» (همان، ص۲۲۴) و دربارهٔ امام صادق﵇ می‌فرماید:

البته آن روایاتی هم که دارد که حضرت پیش منصور تذلّل کردند و کوچکی کردند، هیچ کدامش درست نیست. بنده دنبال روایات رفتم، اصلاً اصل و اساس ندارد؛ غالباً می‌رسد به ربیع حاجب. ربیع حاجب فاسق قطعی است... (همان، ص۳۱۵).

در خصوص نحوهٔ استفاده رهبر انقلاب از روایات ضعیف‌السند، تنها اشاره‌ای که می‌توان یافت این است:

در ملاقات امام سجاد﵇ با مسلم‌بن عقبه روایات متعددی هست که هیچ‌کدام با همدیگر سازگار نیستند و چون برخی از آن روایات با منش و روش ائمه﵈ منطبق تر و سازگارتر است، ما آنها را می‌پذیریم و به‌طور طبیعی قبول می‌کنیم. وقتی ما آنها را قبول کردیم، آن روایات دیگر بکلی مردود خواهد شد و من شک ندارم که آن روایات نادرست است (همان، ص۲۲۸).

معظم‌له در آخرین فصل، دربارهٔ واژگان روایت هم بحث می‌کند:

نکته این است که در تمام روایاتی که در باب حضرت مهدی (عج) هست، این جمله این‌جوری است: «یملأُ اللهُ به الاَرضَ قِسطاً وَ عَدلاً کَما مُلِئَت ظُلماً و جَوراً». در یک‌جا بنده تا حالا ندیدم و گمان نمی‌کنم «بَعدَ ما مُلِئَت ظُلماً و جَوراً» وجود داشته باشد. با توجه به اینکه من مراجعه کردم به روایات، هیچ‌جا نداریم که «بَعدَ ما مُلِئَت ظُلماً و جَوراً». همه‌جا این‌جوری است: «کَما مُلِئَت ظُلماً و جَوراً» (همان، ص۴۱۳).

بیشتر تحلیل‌های تاریخی معظم‌له در بیانات خطاب به مردم عادی ارائه شده است. بنابراین هرچند در برخی از روایات که نقل شده به منبع اشاره دارد (مانند صفحات ۱۳۶و۲۰۸ و ۲۱۳و۲۳۴ و ۲۶۵و۳۱۹)، اما به‌سبب اینکه عمدتاً مخاطب سخنان تاریخی معظم‌له افرادی هستند که دغدغه روشمندی تاریخی ندارند و بیشتر به‌دنبال شنیدن درس‌ها و عبرت‌های تاریخ هستند، این روش جاری معظم‌له برای بیان تاریخ نیست، بلکه با این بیان عمدتاً تسلط تاریخی خود را نشان می‌دهند، اما اصلاً قائل به درگیر شدن در مباحث فنی تاریخ در هنگام ارائه مطلب به‌سبب سنگین شدن بحث و عدم نیاز به بیان آنها در سخنرانی نیستند و چندان به منابع ارجاع نمی‌دهد، بااین‌حال برای خواننده آگاه کتاب، وجوه تسلط رهبری بر منابع مشهود است.

مراجعه به مفاد تاریخی در بخشی از متن سخنان، ناظر به ارائه شاهد برای اصل مطلب است و ازاین‌رو، فقط به اصل محتوای تاریخی بدون ارجاع به منبع اشاره شده است. این نمونه را می‌توان در صفحات ۱۸و۲۱ و ۲۲و۲۹ و ۳۱و۱۲۰و۱۲۱و۱۴۰و۱۴۱و۲۱۹و۲۲۸ کتاب مشاهده نمود که به‌هیچ عنوان ارجاع داده نشده و همگی در جهت تأیید تاریخی تحلیل رهبری از موضوع بحث به کار گرفته شده است. در فرازی از کتاب دربارهٔ امام صادق﵇ می‌خوانیم:

تنها راهی که می‌تواند ما را با خط کلی زندگی امام آشنا سازد، آن است که نمودارهای مهم زندگی آن حضرت را در لابه‌لای این ابهام‌ها یافته، به کمک خصوصیات و دقایق، در انتظار قراین و دلایل پراکنده تاریخی و نیز قراینی بجز تاریخ بمانیم (همان، ص۳۰۶).

به نظر می‌رسد برخی منابع نیز شامل مرور زمان شده و منبع آنها در خاطر معظم‌له نبوده است. بدین‌روی ضمن بیان محتوای تاریخی می‌فرماید:

من همین قدر اشاره می‌کنم برای اینکه کسانی که اهل مطالعه‌اند، اهل تحقیق‌اند، علاقه‌مند به این مسائل هستند، بروند؛ مظانش اینهاست، بروند دنبالش پیدا کنند (همان، ص۳۵۴).

شاخص‌های بررسی و تحلیل متن از نظر رهبر معظم انقلاب

یکم. تبیین زاویه نگاه

از نخستین ویژگی‌های یک تحقیق آن است که محقق بداند از کدام زاویه می‌خواهد به موضوع خود نگاه کند. این امر سبب تعیین درست محدوده تحقیق می‌شود. «مسئله باید به‌طور واضح تعریف گردد» (حافظنیا، ۱۳۸۹، ص۱۲۶). *آیت‌الله خامنه‌ای* در بررسی تاریخ صدر اسلام با زاویه نگاه مشخصی به تبیین مسئله می‌پردازد:

عنصر مبارزه سیاسی حاد که خط ممتد زندگی ائمه﵈ را در طول ۲۵۰ سال تشکیل می‌دهد، در لابه‌لای روایات و احادیث و شرح‌حال‌ها گم شده (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص۱۵).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که رهبر انقلاب به تاریخ ائمهٔ اطهار﵈ از زاویه تبیین «مبارزه حاد سیاسی» می‌نگرد.

دوم. تعریف مفاهیم و اصطلاحات

در پژوهش، «اصطلاحات و مفاهیم اختصاصی و تخصصی باید تعریف شود» (حافظنیا، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶). تعریف ایشان از «مبارزه حاد سیاسی» چیست؟

مبارزه حاد سیاسی که ما به ائمه﵈ نسبت می‌دهیم یعنی: مبارزه‌ای با یک هدف سیاسی. آن هدف سیاسی چیست؟ عبارت است از: تشکیل حکومت اسلامی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص۱۷).

مبارزه در هر زمانی به شکل خاصی است؛ گاهی مبارزه با کارهای فرهنگی، علمی، سیاسی، تشکیل و تحزب و ایجاد سازماندهی، و گاهی با کارهای خونین، فعالیت‌های جنگی و نبرد آشکار است (همان، ص ۷۲).

در نگاه رهبر، مبارزه سیاسی، نه صرفاً مبارزه علمی، اعتقادی و کلامی برای اثبات مکتب و منکوب کردن دشمن است و نه مبارزه مسلحانه محض از جنس اقدامات جناب زیدبن علی و بنی‌الحسن و آل‌جعفر (همان، ص۱۷). منظور معظم‌له از کلمه «حاد» نیز حرکت همه‌جانبه علمی، فرهنگی، سیاسی، حزبی و نظامی با حداکثر توان در جهت ایجاد حکومت علوی در سریع‌ترین زمان ممکن است.

سوم. بیان فرضیه

«فرضیه (باید) قابلیت طرح ادعای مشخصی از سوی محقق را داشته باشد که بتوان در پرتو آزمون یا پژوهش آن را تأیید یا رد کرد (حافظنیا، ۱۳۸۹، ص۱۰۴). سه فرض را می‌توان در کتاب پیگیری کرد. رهبر انقلاب نخست با این فرض به بیان تاریخ می‌پردازد که «تمام کارهای ائمه﵈ در طول این ۲۵۰ سال کار یک انسان، با یک هدف، با یک نیت و با تاکتیک‌های مختلف است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص۲۰). این فرض ـ درواقع ـ خط اتصال تمام سخنان معظم‌له به هم بوده و ایشان درصدد اثبات آن است.

دومین فرضیه این است:

> **ادعای امامت از طرف ائمه﵈ دقیقاً ادعای حق حکومت نیز هست و دعوت همه‌جاگستر آنان در حقیقت دعوت به مبارزه‌ای سیاسی ـ نظامی برای به‌دست آوردن حکومت بوده است (همان، ص۷۱).**

سومین فرض هم آن است که «ائمه﵈ از لحظه وفات رسول‌الله تا سال ۲۶۰ درصدد بودند که حکومت الهی را در جامعه اسلامی به وجود بیاورند (همان، ص ۱۸،۱۶و۳۴۶).

چهارم. بررسی پیشینه و ادبیات پژوهش

«در مرحلهٔ مطالعه، محقق یافته‌های دیگران و به‌عبارتی سابقه و پیشینه مسئله را گردآوری می‌کند و درصورتی‌که پاسخ مسئله خود را پیدا نکرد مرحله پژوهش را آغاز می‌کند» (حافظنیا، ۱۳۸۹، ص۱۰۶). معظم‌له ضمن ابراز تأسف از اینکه تاکنون با چنین نگاهی به تاریخ ائمه﵈ توجه نشده، اهمیت و ضرورت آن را بیان می‌دارد:

> **آنی که من عرض می‌کنم ناشناخته است، این نکته است که متأسفانه در کتاب‌هایی که در زندگی ائمه﵈ نوشته شده این نکته معرفی نشده (همان، ص۲۴).**

درواقع از منظر ایشان این امر فاقد پیشینه مطالعاتی مناسب است و به همین سبب، باید از این زاویه به مطالعه تاریخ پرداخت. در پانوشت صفحه ۲۴۷ از قول رهبر انقلاب می‌خوانیم:

> **متأسفانه باید بگویم در تیترهای این‌گونه بیانات امام سجاد﵇ ــ که محدثین انتخاب کرده‌اند ـ هیچ‌کدام اشاره‌ای به‌آن محتوایی که ما اشاره کردیم، ندارد. غالباً اینها را هم ذیل عنوان «زهد» ذکر کرده‌اند. باید اشاره‌ای هم می‌شد که امام﵇ در این بیانشان دارند به مسائل سیاسی اشاره می‌کنند.**

در فصل یازدهم دربارهٔ امام صادق﵇ می‌خوانیم: «این زندگی پرماجرا که از لابه‌لای صدها روایت تاریخ مشاهده می‌شود، نه در تاریخ و نه در گفتار محدثان و تذکره‌نویسان، هرگز به شکل مرتب و پیوسته منعکس نگشته» (همان، ص ۳۰۴). درباره امام کاظم﵇ می‌خوانیم:

حالا اگر شما سؤال کنید که موسی‌بن جعفر﵇ وقتی به امامت رسید چطور مبارزه را شروع کرد؟ چه کار کرد؟ چه کسانی را جمع کرد؟ کجاها رفت؟ در این ۳۵ سال چه حوادثی برای موسی‌بن جعفر﵇ پیش آمد؟ متأسفانه بنده جواب روشنی ندارم و این همان چیزی است که یکی از غصه‌های آدمی است که در زندگی صدر اسلام تحقیق می‌کند، یک زندگی مرتب و مدونی از این دوران ۳۵ ساله در اختیار هیچ کس نیست. اینی که عرض می‌کنم کتاب نوشته نشده، کار تحقیقاتی انجام نگرفته و باید بشود، به‌خاطر همین است. یک چیزهای پراکنده‌ای هست که از مجموع اینها می‌توان چیزهای زیادی فهمید (همان، ص۳۴۹).

پنجم. پرهیز از پیش‌داوری و نگاه اعتقادی به تاریخ

پرهیز از هرگونه پیش‌داوری، قضاوت عجولانه، جانبداری و داوری‌های ناصواب باعث می‌شود تحقیق از مرحله گردآوری اطلاعات تا تجزیه و تحلیل‌شان جریان طبیعی خود را حفظ کند (ملائی‌توانی، ۱۳۹۰، ص۵۶).

ایشان می‌فرماید:

ما اصلاً از دیدگاه اعتقادی بحث نمی‌کنیم؛ یعنی من خوش ندارم که مسائل را از آن دیدگاه بررسی کنم، بلکه فقط از جنبه تاریخی آن را مطرح می‌کنم (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص۱۳۴).

ششم. بیان روش تحقیق

در فصل یازدهم، ایشان نگاهی گذرا به روش تحقیق در تاریخ دارد و احاطه فنی خود را به تاریخ نشان می‌دهد:

این زندگی پرماجرا و حادثه‌خیز که کشمکش‌ها و فراز و نشیب‌های آن از لابه‌لای صدها روایت تاریخی مشاهده می‌شود، نه در تاریخ و نه در گفتار محدثان و تذکره‌نویسان، هرگز به شکل مرتب و پیوسته منعکس نگشته و زمان و خصوصیات بیشتر حوادث آن تعیین نشده است. پژوهشگر باید با تکیه بر قراین و ملاحظه جریان‌های کلی زمان و مقایسه هر روایت، با اطلاعاتی که دربارهٔ اشخاص یا حوادث یادشده در آن، از منابع دیگر می‌توان به‌دست آورد، زمان و مکان و خصوصیات حادثه را کشف کند. علت دیگر را در خصلت تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نویسان باید جست‌وجو کرد. یک جمع محکوم و مظلوم اگر در تاریخ رسمی، نامی هم داشته باشد و خاطره‌ای از او ثبت شود، بی‌شک چنان خواهد بود که جریان حاکم و ظالم خواسته و گفته و وانمود کرده است. برای مورخ رسمی، غیر از سخنان دل‌آزار دربارهٔ محکومان که می‌باید به سعی و تلاش فراوان از اینجا و آنجا جست و با بیم فراوان ثبت کرد، خبرها و سخن‌های بسیاری از حاکمان در

دست هست که بی‌زحمت و نیز بی‌دغدغه می‌توان به‌دست آورد و مزد گرفت و خطر نکرد. اکنون این حقیقت روشن را در کنار واقعیت دیگری می‌گذاریم. همهٔ تواریخ معروف و معتبری که مدارک و مآخذ بیشترین تحقیقات و گزارش‌های بعدی به‌شمار می‌آید و تا پانصد سال بعد از زندگی امام صادق﵇ نوشته شده است، دارای صبغه عباسی است. تنها راهی که می‌تواند ما را با خط کلی زندگی امام آشنا سازد، آن است که نمودارهای مهم زندگی آن حضرت را در لابه‌لای این ابهام‌ها یافته، به‌کمک آنچه از اصول کلی تفکر و اخلاق آن حضرت می‌شناسیم، خطوط اصلی زندگی‌نامه امام را ترسیم کنیم و آنگاه برای تعیین خصوصیات و دقایق، در انتظار قراین و دلایل پراکنده تاریخی و نیز قراینی بجز تاریخ بمانیم (همان، ص۳۰٤).

هفتم. محدوده موضوعی و زمانی پژوهش

ایشان قائل به وجود یک جهت‌گیری سیاسی در زندگی ائمهٔ اطهار﵈ است: «زندگی مستمر این عزیزان معصوم با یک جهت‌گیری سیاسی همراه است و بنده به این مطلب خواهم پرداخت» (همان، ص۱۷). ایشان درواقع با این بیان، محدوده موضوعی تحقیق خود را نیز مشخص می‌کند.

همچنین شروع بررسی معظم‌له دربارهٔ ائمهٔ اطهار﵈ مربوط است به شروع امامت هر امام، و این لحظه نقطه آغاز حرکت سیاسی آن امام است و باید از این زمان رفتارهای امام تحلیل شود.

ائمه﵈ همه‌شان به مجرد اینکه بار امانت امامت را تحویل می‌گرفتند، یکی از کارهایی که شروع می‌کردند یک مبارزه سیاسی بود برای گرفتن حکومت (همان، ص۲٤).

معظم‌له با این بیان درواقع محدودهٔ زمانی بررسی خود را بیان می‌دارد.

هشتم. نوآوری و تازگی در انتخاب مسئله

«اهمیت موضوع در تازگی آن است و باید به نحوی باشد که در نتیجه تحقیق آن، نکته‌ای تازه کشف و مطلب تاریک و مبهمی روشن شود و آگاهی‌های موجود را بتوان تصحیح کرد» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۸، ص۱۱). هدف رهبر انقلاب در حوزهٔ تاریخ، فتح بابی جدید در مطالعات تاریخی است.

من رئوس مطالب را عرض می‌کنم، برای اینکه آن کسانی که شوق دارند دنبال این مسئله بروند، با این چارچوب یک‌بار دیگر روایات را نگاه کنند و کتب تاریخ را ببینند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص۱۹).

این به‌معنای گشودن پنجره‌ای جدید به‌سوی تاریخ است. ایشان در انتهای فصل امام رضا﵇ می‌فرماید:

این گذری بر یکی از فصل‌های عمده زندگی‌نامه سیاسی ۲۵۰ ساله ائمه﵈ بود که امید است محققان و اندیشمندان و کاوشگران تاریخِ قرن‌های اولیه اسلام همت بر تنقیح و تشریح و تحقیق هرچه بیشتر آن بگمارند (همان، ص۳۷۹).

نهم. نگاه فرایندی به تاریخ

درباره آثار و پیامدهای رخدادهای تاریخی، توجه به این نکته ضرورت دارد که بسیاری از رخدادها یا تحولات را باید به‌صورت فرایندی نگریست؛ زیرا این تحولات به‌مثابه کلاف‌های در حال باز شدن هستند و رفته‌رفته نیروها، آثار و نتایج خود را بروز می‌دهند و اگر آنها را در مرحلهٔ خاصی متوقف کنیم ـ درواقع ـ شناخت درستی از آنها به‌دست نیاورده‌ایم (ملائی‌توانی، ۱۳۹۰، ص۱۶۹).

رهبر انقلاب تاریخ را «فرایندی» و «هوشمندانه» مطالعه می‌کنند. به تعبیری می‌توان تاریخ را «داده»وار مطالعه کرد؛ یعنی فقط یک داده تاریخی خام و پرورش‌نیافته را مدنظر قرار داد و از همان نتیجه گرفت و یا تاریخ را هوشمندانه و با اتصال داده‌های گوناگون به هم و به شکل «محصولی که از جمع‌آوری، ارزیابی، تجزیه و تحلیل، ترکیب و تفسیر اطلاعات خام به‌دست می‌آید» (کالینز، ۱۳۸۶، ص۴۷۴) مطالعه کرد؛ به‌این‌معنا که ابتدا داده‌ها را جمع‌آوری نمود، سپس آنها را بر زمان منطبق نمود و قائل به گذشته، حال و آینده برای آن «داده» بود و در آخر، این اطلاعات زمانمند را در یک وادی (Paradigm) مشخص مطالعه نمود.

اگر انسان هر واقعه‌ای را جداگانه حساب کند چیزی ملتفت نمی‌شود. باید نگاه کند و ببیند ترکیب کار چگونه است؟ چطور همهٔ این کارها مدبرانه، هوشیارانه و با محاسبه صحیح انجام گرفته است؟ (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص۴۱).

در جای دیگر بیان می‌دارد:

اگر حوادث جزئی را بریده از آن جهت‌گیری کلی در زندگی امام ـ سجاد ـ مورد مطالعه قرار دهیم، بیوگرافی امام فهمیده نخواهد شد. مهم این است که ما جهت‌گیری کلی را بشناسیم (همان، ص۲۲۰).

نوع نخست این مطالعه هوشمندانه و فرایندی، دوره ۲۵۰ ساله امامت را شامل می‌شود که البته با دوران نبوت و غیبت هم قابل ترکیب است. در این خصوص، به‌دفعات در کتاب شاهد اشارات گوناگونی هستیم:

باید یک انسانی را فرض کنیم که ۲۵۰ سال عمر کرده و در سال یازدهم هجرت قدم در یک راهی گذاشته و تا سال ۲۶۰ هجری این راه را طی کرده. تمام حرکات این انسان بزرگ و معصوم با این دید قابل فهم و قابل توجیه خواهد بود (همان، ص۱۶).

در جایی دیگر دربارهٔ حکومت امیرمؤمنان علی ـ می‌فرماید:

امیرالمؤمنین ـ در این مدت نشان داد که اصول اسلامی که در دوران انزوای اسلام و دوران کوچکی جامعه اسلامی به وجود آمده بود، در دوران گسترش جامعه اسلامی هم قابل پیاده شدن است. اگر علی ـ را از این وسط حذف می‌کردیم، ممکن بود تاریخ این‌طور قضاوت کند که اصول اسلامی و ارزش‌های نبوی خوب بود؛ اما در همان دوره مدینةالنبی (همان، ص۹۳).

درباره امام رضاؑ نیز ایشان از همین ادبیات استفاده می‌کند:

اما به تدبر می‌توان فهمید که امام هشتم در این دوران ـ دوره امامت امام ـ همان مبارزه درازمدت اهل‌بیت را که در همه اعصار بعد از عاشورا استمرار داشته، با همان جهت‌گیری و همان اهداف ادامه می‌داده است (همان، ص٣٦٦).

حتی این عنصر تحلیل هوشمندانه در نگاه رهبر انقلاب، امروز را نیز دربر می‌گیرد:

کاری که در زمان امام حسینؑ انجام گرفت، نسخه کوچکش هم در زمان امام ما انجام گرفت؛ منتها آنجا به نتیجه شهادت رسید، اینجا به نتیجه حکومت. این همان است، فرقی نمی‌کند. هدف امام حسینؑ با هدف امام بزرگوار ما یکی بود (همان، ص۱۷۹).

ایشان قائل به نوع دوم مطالعه هوشمندانه تاریخ هم هست و زندگی هریک از ائمهٔ اطهارؑ را به‌شکل هوشمندانه و فرایندی مطالعه می‌کند:

سیره هر کس ـ به‌معنای واقعی کلمه ـ آنگاه روشن می‌شود که ما جهت‌گیری کلی آن شخص را بدانیم و سپس به حوادث جزئی زندگی او بپردازیم. اگر آن جهت‌گیری کلی دانسته شد، آن حوادث جزئی هم معنا پیدا می‌کند؛ اما اگر چنانچه آن جهت‌گیری کلی دانسته نشد یا غلط دانسته شد، آن حوادث جزئی هم بی‌معنی یا دارای معنی نادرستی خواهد شد. این اصل در مورد زندگی همه صدق می‌کند (همان، ص۲۲۰).

ایشان دربارهٔ امام باقرؑ می‌فرماید: «نوزده سال دوران رهبری امام، همانند خطی مستقیم و متصل و روشن» (همان، ص۲۹۳) و دربارهٔ امام کاظمؑ اظهار می‌دارد:

در زندگی‌نامه آن امام، سخن از حوادث گوناگون بدون توجه به خط جهاد مستمری که همهٔ عمر ۳۵ ساله امامت آن بزرگوار را فراگرفته بوده است، ناقص و ناتمام می‌ماند. تشریح و تبیین این خط است که همه اجزای این زندگی را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و تصویری واضح و جهت‌دار که در آن هر پدیده‌ای دارای معنایی است، ارائه می‌کند (همان، ص٣٤٤).
صدها حادثه توجه‌برانگیز و پرمعنی و در عین حال، ظاهراً بی‌ارتباط و گاه متناقض با یکدیگر در زندگی موسی‌بن جعفرؑ هنگامی معنا می‌شود و ربط می‌یابد که ما آن رشته مستمری را که از آغاز امامت آن بزرگوار تا لحظه شهادتش ادامه داشته، مشاهده کنیم (همان، ص٣٤٦).

دهم. نگاه توحیدی به تاریخ

امام خامنه‌ای به تاریخ نگاهی توحیدی دارد و وقایع تاریخ را ذیل یکی از ثنویت‌های توحیدی قرآن تحلیل می‌کند. وقتی از این منظر به بررسی تاریخ ائمهٔ اطهارؑ نگاه شود، تمام روایات و اسناد موجود در قالب یک حرکت توحیدی از جانب امامان معصومؑ که انسان را به سوی پذیرش ولایت الله هدایت می‌کند، معنا می‌شود و

هدفداری رفتارها و سخنان ائمهٔ معصوم﵈ را به‌خوبی می‌نماید و سبب مواجه شدن با یک خط سیر مشخص می‌شود. همین توجه و زاویه دید است که در تحلیل تاریخ ائمهٔ اطهار﵈ معظم‌له را به «نظریه انسان ۲۵۰ ساله» رهنمون می‌سازد.

در تمام کتاب شاهد شکل دادن یک دوقطبی حق و باطل توسط ایشان هستیم. شروع این دوقطبی‌سازی با آغاز رسالت همراه است. «کار مهم پیامبر خدا، دعوت به حق و حقیقت و جهاد در راه این دعوت بود، در مقابل دنیای ظلمانی زمان خود» (همان، ص ۲۹). در جای دیگر می‌گوید: «دو جریان جداگانه و بکلی متمایز از یکدیگر در اداره و حکمرانی بر مسلمین وجود دارد: یکی جریان سلطنت و یکی جریان خلافت» (همان، ص ۱۴۶).

ایشان در فراز دیگری به تبیین مشخصه هر جریان می‌پردازد: «مشخصهٔ این دو جریان این است: قدرت‌گرایی در یک طرف، و اصول‌گرایی و ارزش‌گرایی و بنیادگرایی در یک سو» (همان، ص ۱۴۹). سپس به تبیین ویژگی‌های هر قطب می‌پردازد:

جریان حق اصالت را می‌دادند به دین. قدرت داشتن، حکومت داشتن، دست خودشان کار بودن مسائل فرعی بود. جریان دوم برایش اصل این بود که قدرت را به‌دست بگیرد. می‌خواست حاکم باشد، حالا با هر قیمتی (همان، ص ١٤٧).

در نگاه فرایندی معظم‌له، این دوقطبی به زمان پیامبر نیز تعمیم می‌یابد.

اگر کسی بخواهد قدری دور از ملاحظات اعتقادی و صرفاً متکی به شواهد تاریخی حرف بزند، شاید بتواند ادعا کند که این جریان، حتی در دوران (حکومت) اسلام به وجود نیامده بود، بلکه ادامه‌ای بود از آنچه که در دوران نهضت پیامبر ـ دوران مکه ـ وجود داشت (همان، ص١٣٤).

رهبر انقلاب حتی هدف هجرت را مبارزه توحیدی میان همین دوقطبی می‌داند (همان، ص۳۵).

آیت‌الله خامنه‌ای همچنین مصادیق منتسب به هر جریان را نام می‌برد:

در دوران امام حسن﵇، جریان مخالف آنچنان رشد کرد که توانست به‌صورت یک مانع ظاهر بشود. البته این جریان مخالف در زمان امام مجتبی﵇ به وجود نیامده بود. بعد از آنکه خلافت در زمان عثمان به‌دست این قوم رسید، ابوسفیان به آنها خطاب کرد و گفت: «تَلَقَّفوها تَلَقُّفَ الکُرَه» (همان، ص١٣٤).

می‌توان گفت: در نگاه رهبر انقلاب این جریان به سه شکل ظهور یافت: نخست کفار و مشرکان مکه، سپس بنی‌امیه و بعد بنی‌عباس.

در کنار این جریان، جریان اسلام قرآنی که هیچ‌وقت با آن جریان حاکم، اما ضدارزش‌ها کنار نمی‌آمد نیز ادامه پیدا کرد که مصداق بارز آن ائمه﵈ و بسیاری از مسلمانان همراه آنان بودند (همان، ص١٤١).

ایشان در ادامهٔ همان مطالعهٔ هوشمندانهٔ تاریخ، از این دوقطبی نتیجه می‌گیرد:

گاهی همان جریانی که اصل برایش قدرت است، ظواهر اسلامی را هم ملاحظه می‌کند. این دلیل نیست؛ باید باطن کار را نگاه کرد و هوشیارانه تشخیص داد که کدام جریان منطبق با کجاست؟ (همان، ص۱۴۹).

در بیانات معظم‌له در کتاب ـ دست‌کم ـ پانزده نمونه از ثنویت‌های توحیدی قرآن در تحلیل تاریخ لحاظ شده است: حق و باطل، لااله و الاالله، نور و ظلمت، هدایت و ضلالت، حیات طیبه و حیات خبیثه، خیر و شر، مستضعف و مستکبر، رشد و غی، عزت و ذلت، ایمان و کفر، ولایت الله و ولایت طاغوت، موسوی و فرعونی، ابراهیمی و نمرودی، قسط و ظلم، عدل و جور.

همچنان‌که قرآن اشاره می‌فرماید: «فَاعتَبِرُوا یَا أولِی الأبصَارِ» (حشر: ۲)، رهبر انقلاب از تاریخ برای عبرت گرفتن بهره می‌برد و الگوی تحلیل تاریخ ایشان دقیقاً قرآنی است. نکته مهم اینجاست که با این روش تحلیل، تاریخ به معبری برای رساندن انسان به سعادت تبدیل می‌شود و از یک علم تاریخ سکولار، به یک علم تاریخ «دین‌پایه» خواهیم رسید. به‌عبارت دیگر، اولین گام در تحلیل تاریخ در منظر *امام خامنه‌ای*، تشخیص همین ثنویت‌ها یا دوقطبی‌هاست. یک تحلیلگر تاریخ باید ابتدا از بستر دین، جبهه حق و باطل را تشخیص دهد و بعد به تحلیل بپردازد.

همچنان‌که شاهد فهرستی از ثنویت‌های قرآنی در کتاب بودیم، با فهرستی از معروف‌ها و منکرهای قرآنی نیز مواجهیم. هنر بزرگ تحلیلگر تاریخ این است که خواننده را با این فهرست آشنا کند. شناخت معروف‌ها و منکرها سبب شکل‌گیری ولایت در انسان می‌شود و دو فرع از فروع دین اسلام را در درون انسان سازماندهی می‌کند: تولا و تبرا. اما این همهٔ کار نیست، امر به معروف و نهی از منکر بستری است که تمام این تحلیل بر پایه آن استوار است و خواننده در هر لحظه از مطالعه تاریخی، مخاطب این امر و نهی است.

اما کلیدی‌ترین بخش «هجرت» است: «الَّذِینَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِی سَبِیلِ‌الله» (توبه: ۲). برای هجرت معانی گوناگونی وجود دارد: هجرت جغرافیایی، هجرت برای کسب علم، هجرت برای نجات از ظلم و... . یکی از معانی «هجرت» نیز هجرت از خود به خدا و یا از طاغوت به الله است. امیرمؤمنان﵇ دربارهٔ هجرت می‌فرمایند: «انما المهاجرون الذین یهجرون السیئات و لم یأتوا بها» (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص۶۲۸). با خواندن کتاب ***انسان ۲۵۰ ساله***، انسان یک میل درونی هجرت از بدی‌ها، پلشتی‌ها، گناهان و منکرها به خوبی‌ها، زیبایی‌ها، ثواب‌ها و معروف‌ها در خود حس می‌کند.

نوآوری رهبر انقلاب در ارائه نوعی تعامل با تاریخ است که در آن ـ دست‌کم ـ یک اصل از اصول دین، یعنی توحید، یک اصل از اصول تشیع، یعنی امامت و ـ دست‌کم ـ پنج فرع دین شامل تولا، تبرا، امر به معروف، نهی از منکر و جهاد به شکلی سازمان‌یافته معرفی می‌شود و مفاهیمی همچون «هجرت» بدون اشاره مستقیم احیا

می‌گردد، هرچند در کتاب به شکلی غیرسازمان‌یافته شاهد تبیین سایر اصول و فروع دین نیز هستیم؛ مثل بخش‌هایی که دربارهٔ عدل و قسط و نماز و حج سخن به میان آمده است.

یازدهم. تبیین فواصل زمانی در تاریخ

رهبر انقلاب تاریخ اسلام را سه گونه زمان‌بندی می‌کند:

نخست. زمان‌بندی اسلام در قالب دو عنوانِ اسلام به شکل «حکومت» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴) و اسلام به شکل «نهضت» (همان، ص۱۳۷) در چهار دوره:

۱. اسلام به شکل نهضت، دوران ۱۳ سالهٔ بعثت تا هجرت (همان، ص۱۳۳)؛

۲. اسلام به شکل حکومت، دوران ۴۱ سالهٔ از هجرت تا پایان خلافت امام حسن؈ (همان، ص۱۳۴)؛

۳. اسلام به شکل نهضت، از سال ۴۱ هجری (همان، ص۱۳۴) تا انقلاب اسلامی (همان، ص۴۰۶)؛

۴. اسلام به شکل حکومت، از انقلاب تا کنون (همان، ص۴۰۶).

دوم. دوران ۲۵۰ سالهٔ امامت را به چهار دوره تقسیم می‌کند:

۱. دورهٔ اول، دوره سکوت یا همکاری امام با قدرت‌هاست؛ ۲۵ سال میانه رحلت پیامبرﷺ و آغاز خلافت امیرمؤمنان علی؈. مسئلهٔ اصلی در این دوره جلوگیری از دودستگی در میان مسلمانان و مراقبت از جامعه اسلامی در مقابل دشمنان خارجی است (همان، ص۷۴).

۲. دورهٔ دوم، دوره به قدرت رسیدن امام است. چهار سال و نه ماه خلافت امیرمؤمنان؈ و چند ماه خلافت حسن‌بن علی؈؛ این دوره یک الگو برای حکومت اسلامی و در عین حال، یک درس و تجربه از وضعیت حکومت اسلامی در میان مردم تربیت نیافته است (همان، ص۷۵).

۳. دورهٔ سوم ۲۰ سال میان صلح امام حسن؈ و حادثه شهادت امام حسین؈ است. این دوره، دوره تلاش سازندهٔ کوتاه‌مدت برای ایجاد حکومت اسلامی است (همان، ص۷۶).

۴. چهارمین دوره در زمانی نزدیک به دو قرن، دورهٔ ادامه روش دورهٔ سوم در برنامه‌ای درازمدت است (همان، ص۷۶).

البته به نظر می‌رسد می‌توان دوره نخست را در بیان معظم‌له به دو دوره تقسیم کرد:

یکم. دورهٔ سکوت یا کناره‌گزینی که بعد از ماجرای سقیفه آغاز شد و به مدت چند ماه تا زمان جنگ‌های ردّه ادامه می‌یابد (همان، ص۸۸).

دوم. دورهٔ وزارت که از جنگ‌های ردّه تا خلافت امام را دربر دارد (همان، ص۸۹).

همچنین ایشان به دوره‌ای در حد فاصل پایان دوره سوم و آغاز دو قرن برنامه بلندمدت قائل است. معظم‌له در شرح وضعیت امام سجاد؈ می‌فرمایند: «نشانی از یک تعرض صریح در زندگی امام سجاد؈ مشاهده نمی‌کنیم؛

زیرا اگر در آغاز حرکت ائمه﵈ در دوره سوم از دوران‌های چهارگانه امامت» (همان، ص۲۵۱) دورهٔ سوم را به دوران آغاز امامت امام سجاد﵇ نسبت می‌دهند، این در حالی است که رهبر انقلاب پیش‌تر دوره سوم را ۲۰ سال میان صلح امام حسن﵇ تا واقعه کربلا بیان داشته‌اند.

شاید بتوان این دوره را «دوره چهارم» نامید که به یک فعالیت قریب ۷۵ ساله در برنامه‌ای میان‌مدت (همان، ص ۱۸) از امامت امام سجاد﵇ تا میانه امامت امام صادق﵇ محدود است.

در لابه‌لای کلمات امام سجاد﵇ که احتمالاً مربوط به اواخر زندگی و دوران طولانی امامت این بزرگوار هم می‌باشد، اشاره‌ها یا جلوه‌هایی از تعرض با دستگاه خلافت مشاهده می‌شود (همان، ص۲۵۲).

در تأیید این نکته باید گفت: *آیت‌الله خامنه‌ای* دورهٔ امام باقر﵇ را دوران فعالیت برای آینده کوتاه‌مدت می‌داند: «در زمان امام باقر﵇ احتمال زیاد این است که برای آینده کوتاه‌مدت بود» (همان، ص۱۸).

به نظر می‌رسد در تبیین فرایندی تاریخ، معظم‌له دوران برنامه‌ریزی میان‌مدت را به دو دوره تقسیم می‌کند که در مجموع ۱۴۲ سال را دربر می‌گیرد:

نخست. از واقعه کربلا تا روی کار آمدن *منصور عباسی* که شامل اقدامات امام سجاد، امام باقر و امام صادق﵈ است.

دوم. از روی کار آمدن *منصور* تا شهادت امام رضا﵇ که شامل اقدامات امام صادق، امام کاظم و امام رضا﵈ می‌شود.

ایشان در فرازی از سخنان خود به این تفکیک اشاره نموده است: برنامه‌ریزی برای ایجاد حکومت اسلامی «از بعد از شهادت امام هشتم، به گمان زیاد برای آیندهٔ بلندمدت بود» (همان، ص۱۸). همچنین نوع تحلیل ایشان از اقدامات امام صادق﵇ در دوره خلافت *منصور*، راهبردهای سه‌گانهٔ امام کاظم﵇ و اقدامات امام رضا﵇ مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که اگر *مأمون عباسی* امام رضا﵇ را به شهادت نمی‌رساند هر آن امکان انقلاب اسلامی و سرنگونی *مأمون* توسط امام رضا﵇ وجود داشت.

گمان زیاد بر این است که فاصله ۱۵ ساله بعد از شهادت امام هفتم تا آن روز و به‌ویژه فرصت پنج‌ساله جنگ‌های داخلی، جریان تشیع را از آمادگی بیشتری برای برافراشتن پرچم حکومت علوی برخوردار ساخته بود (همان، ص۳٦٦).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که معظم‌له قائل به هفت دوره امامت است:

۱. دورهٔ سکوت امام؛

۲. دورهٔ وزارت امام؛

۳. دورهٔ خلافت امام؛

۴. دورهٔ برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت برای ساخت حکومت اسلامی از صلح امام حسن﵇ تا قیام کربلا؛
۵. نخستین دورهٔ برنامه‌ریزی میان‌مدت، از امامت امام سجاد﵇ تا اواسط امامت امام صادق﵇؛
۶. دومین دورهٔ برنامه‌ریزی میان‌مدت، از اواسط امامت امام صادق﵇ تا شهادت امام رضا﵇؛
۷. دورهٔ برنامه‌ریزی بلندمدت از امامت امام جواد﵇ به بعد.

سوم. تفکیک دوره اقدام. ایشان دوره هریک از ائمهٔ اطهار﵈ و یا در مواردی چند تن از ائمه﵈ را به صورت یک پارادایم، وادی یا عصر معرفی می‌کند که تمام آن دوره دارای یک هدف مشترک است و از قواعد یک پارادایم پیروی می‌کند. این عصر با رسیدن به هدف یا تغییر اساسی وضع موجود، دچار تغییر عصر یا پارادایم شیفت می‌شود. برای نمونه، دوران سیزده ساله مکه را «فصل اول رسالت» معرفی کرده و آن را مقدمهٔ فصل دوم که دوران مدینه است، می‌داند و فصل دوم را دوران شالوده‌ریزی نظام اسلامی و ساختن یک الگو برای حکومت اسلامی (همان، ص۳۵).

ائمهٔ هشت‌گانه، از زمان امام سجاد﵇ تا امام حسن عسکری﵇ هریک یا هرچند نفر مختصاتی در زمان و به‌تبع آن، در جهاد خود داشتند (همان، ص۳۴۷).

دوازدهم. دسته‌بندی کلان فعالیت‌های ائمهٔ اطهار﵈

رهبر انقلاب فعالیت‌های امامان معصوم﵈ را به دو دسته کلی کارهای معنوی و روحی در ارتباط خود با خدا و بقیه کارها تقسیم می‌نماید و اعتقاد دارد که بقیه کارها در جهت تشکیل حکومت بوده است (همان، ص۱۹).

سیزدهم. نحوه استفاده رهبر انقلاب از اطلاعات تاریخی

با تأکید بر همین فهم وادی و درک پارادایمِ اقدام هریک از ائمه﵈، رهبری از مطالعه وضعیت دشمنان ائمه﵈، درحالی‌که شاید هیچ سند تاریخی برای برخی اقدامات ائمه﵈ وجود ندارد، به نتیجه‌گیری تاریخی می‌پردازد که نمونه آن را می‌توان در بیان روایت ***الکافی*** که «از شمشیر هارون خون می‌چکد» (همان، ص۳۶۵) مشاهده نمود.

> **اگرچه در متون تواریخ اسلامی و نیز در کتب حدیث و غیره، به‌صراحت از فعالیت‌های تعرض‌آمیز و بالنسبه حاد امام باقر﵇ سخنی نیست، ولی همواره از عکس‌العمل‌های حساب‌شده دشمن آگاه می‌توان عمق عمل هر کس را کشف کرد (همان، ص۲۸۵).**

این نوع نگاه به تاریخ صرفاً مختص دورهٔ امام باقر و امام کاظم﵈ نیست و در موارد دیگر نیز ایشان با مطالعه رفتارهای حاکمان و گزارش‌های تاریخی به‌ظاهر غیرمرتبط با زندگی امام، به تحلیل تاریخ زندگی ائمهٔ معصوم﵈ می‌پردازند.

> **باید در پی قراین و شواهد و بطونِ حوادثِ ظاهراً ساده‌ای بود که اگرچه نظر بینندهٔ عادی را جلب نمی‌کند، ولی با دقت و تأمل، خبر از جریان‌های پنهانی بسیاری می‌دهد (همان، ص۳۲۸).**

چهاردهم. ارائه تفکر روشمند و راهبردی در تحلیل تاریخ

ایشان کاملاً آگاهانه از رویکرد تحلیل محتوای «دکترینال» و «استراتژیک» استفاده می‌نماید و در بیانات ایشان می‌توان این آگاهی را مشاهده نمود:

همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی نشانهٔ امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگ‌تر را نوید می‌دهد. حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۲).

گاهی بعضی‌ها به‌عنوان اینکه ما تاکتیک و روش خود را عوض کردیم، اصل راهبرد را دگرگون می‌کنند (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸٤).

در بیانی دیگر می‌فرماید: «اتخاذ تاکتیک هیچ منافاتی ندارد با اینکه انسان آن راهبرد اساسی را به‌هیچ‌وجه فراموش نکند (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۱) و اینکه «تاکتیکی که ما را از استراتژی دور می‌کند، پیداست که غلط است» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۴). در سخنی دیگر اظهار می‌دارد: «امروز وحدت برای شما هم تاکتیک و هم استراتژی و هم یک اصل اسلامی است» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۶۸).

لازم است برای استراتژی تبلیغی علیه صهیونیست‌ها، یک طراحی بنیادین صورت گیرد. اینکه ما به‌صورت تاکتیکی در هر موقعیتی بخشی از مظلومیت‌ها را بیان کنیم، کافی نیست. باید یک راهبرد عمومی در دنیای اسلام به‌صورت مشترک تعیین و عمل شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۰).

در جمهوری اسلامی مسئلهٔ فلسطین یک مسئلهٔ تاکتیکی نیست، یک استراتژی سیاسی هم نیست، مسئلهٔ عقیده است» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۸).

ایشان در یکی از سخنرانی‌ها از واژهٔ «دکترین» هم استفاده نموده است (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۱). در کتاب ***انسان ۲۵۰ ساله*** نیز گاهی از واژه‌های «استراتژی» (ص۱۶۰و۳۰۳) و «تاکتیک» (ص ۲۲۲،۲۰،۱۶و۲۹۳) استفاده شده است.

در ادامه ـ برای نمونه ـ به استفاده از این روش در فصل «امام باقر﵇» اشاره می‌شود. در این فصل معظم‌له به تبیین کامل دکترین دشمن نیز پرداخته است. ایشان دکترین جریان خلافت بنی‌امیه در این دوره را «تحریف اسلام» دانسته، در تبیین چرایی آن می‌نویسد:

اگر قرار بود احکام اسلامی و آیات قرآنی همان‌طوری که هست برای مردم تبیین بشود، امکان ادامه حکومت و زمام‌داری و قبضه کردن قدرت برای اینها نبود. این بود که دست به تحریف زدند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص۲۷۵).

همچنین دو راهبرد اصلی بنی‌امیه در چگونگی تحریف اسلام را به خدمت گرفتن علمای دین به‌وسیله «تطمیع» و «تهدید» می‌داند؛ برای آنکه همان چیزی را که مورد علاقه آنهاست در بین مردم ترویج کنند و یک مبنای غلط فکری به نفع خود و به‌نام اسلام مطرح نمایند و دایم در منابر دنیای اسلام در جهت شکل‌دهی به فکر مردم تکرار کنند (همان، ص۲۷۵).

مبتنی بر دکترین دشمن، *آیت‌الله خامنه‌ای* دکترین امام باقرؑ را «مبارزه با تحریف در معارف اسلامی» می‌داند (همان، ص ۲۸۴). چرایی انتخاب این دکترین توسط امام را باید در چارچوب تقابل با دکترین دشمن بررسی نمود. اما در زمینه چگونگی، امام باقرؑ از سه راهبرد استفاده نمودند:

۱. مبارزهٔ فرهنگی برای عوض کردن ذهن مردم (همان، ص۲۷۷)؛

۲. موضع‌گیری خصمانه در برابر قدرت‌های فکری و فرهنگی (همان، ص۲۸۱)؛

۳. ادامه سازماندهی پنهانی شیعیان (همان، ص۲۷۹).

تاکتیک امام باقرؑ در پیاده‌سازی راهبردهای سه‌گانه عبارت است از: اجتناب از درگیری با قدرت مسلط در صحنه‌ای حاد و پیکاری رویاروی (همان، ص۲۹۰). رهبر انقلاب به برخی راهکارهای (تکنیک) امام برای پیشبرد هر راهبرد هم اشاره می‌کند.

راهبرد نخست:

۱. تبیین قرآن برای مردم (همان، ص۲۷۷)؛

۲. در هر فرصت مناسبی با نشان دادن گوشه‌ای از واقعیت تلخ و مرارت‌بار زندگی شیعه، مردم غافل را آماده گرایش‌های تند و جهت‌گیری انقلابی می‌ساخت (همان، ص۲۸۲)؛

۳. به‌منظور برگزاری مراسم عزاداری برای خودشان به‌مدت ۱۰ سال در منا به امام صادقؑ وصیت کردند (همان، ص۲۹۳).

استراتژی دوم:

۱. سخن گفتن با لحن اعتراض‌آمیز خطاب به‌کثیر شاعر(همان، ص۲۸۱)؛

۲. شماتت عکرمه (همان، ص۲۸۲).

استراتژی سوم:

۱. تربیت شاگردان و تبدیل آنها به وکلای امام در سطح جهان اسلام (همان، ص۲۷۹)؛

۲. بیان سَمت کلی حرکت امامت که ایجاد نظام اسلامی است، برای شیعیان در جهت زنده‌سازی آرمان بزرگ شیعه؛

۳. برانگیختن احساسات در حد لازم در میان شیعیان؛

۴. نوید آینده دلخواه که چندان دور هم نیست (همان، ص۲۹۱)؛

۵. تعیین سال پیروزی (همان، ص۲۹۲).

پانزدهم. نتیجه‌گیری

ایشان نتیجه را این‌گونه بیان می‌کند:

اگر ائمه﵇ غیر از این دو کاری که گفتم (شرایط امام و معرفی شخص امام) هیچ کار دیگری نداشتند، کافی بود که ما بگوییم: زندگی ائمه﵇ از اول تا به آخر یک زندگی سیاسی است (همان، ص۲٤).

شانزدهم. ارائه پیشنهادات پژوهش

در سرتاسر کتاب شاهد ارائه پیشنهادات تحقیقی کلی یا جزئی هستیم؛ نظیر:

۱. پیگیری عنصر مبارزه سیاسی حاد در زندگی ائمهٔ اطهار﵇ (همان، ص۱۵)؛

۲. تدوین زندگی سیاسی امامان معصوم﵇ (همان، ص۱۸)؛

۳. انجام کار پژوهشی عمیق تفسیری بر روی خطبه‌های امام سجاد﵇ در شام (همان، ص۲۰۰)؛

۴. تألیف زندگی‌نامه مدون امام کاظم﵇ (همان، ص ۳۴۹)؛

۵. ترجمه و چاپ ***رساله حقوق*** امام سجاد﵇ و کار عمیق روی ***صحیفه سجادیه*** (همان، ص۲۴۸)؛

۶. بررسی روش‌های استحالهٔ مؤمنان و ایستادنشان در مقابل حق توسط *معاویه* (همان، ص۱۳۹).

اینها تنها برخی از پیشنهادات این اثر تحلیلی ـ تاریخی است. ایشان در این خصوص ـ به‌طورکلی ـ می‌فرماید: من رئوس مطالب را عرض می‌کنم تا کسانی که شوق دارند دنبال مسئله بروند؛ با این چارچوب یک بار دیگر روایات را نگاه کنند، کتب تاریخ را ببینند (همان، ص۱۹).

نتیجه‌گیری

در بررسی انجام‌شده بر روی کتاب ***انسان ۲۵۰ ساله*** به این نتیجه رسیدیم که *آیت‌الله خامنه‌ای* با روش‌های معمول استناد به مطالعه تاریخ می‌پردازد. ایشان علاوه بر قرآن، از منابع دست اول و معتبر حوزه‌های حدیث، کلام، تاریخ و رجال استفاده می‌نماید. ۶۴.۵٪ روایات استفاده‌شده در کتاب از نوع خبر متواتر و مشهورات تاریخی و متضافر هستند و از این حیث، تحلیل‌ها بر بستری از اجماع تاریخی و حدیثی قرار دارد. همچنین ثابت گردید که ایشان در استفاده از روایات دقت لازم را دارد و به صحت روایت توجه می‌نماید.

ایشان در مطالعهٔ تاریخ، چارچوب مفهومی مشخصی دارد که آن را در قالب سه فرضیه به چارچوب نظری تبدیل نموده است. ایشان مسئلهٔ خود را در مطالعه تاریخی به‌طور واضح بیان می‌دارد و تعاریف مدنظر خویش را ارائه می‌دهد. سپس به بررسی پیشینه مطالعاتی پرداخته، احاطه خود را به پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد. مطالعات ایشان دارای محدوده موضوعی و زمانی قابل تمییز است. نگاه ایشان به تاریخ نوآورانه و تازه است. نگاه فرایندی و هوشمندانه به تاریخ دارد و از نگاه داده‌وار می‌پرهیزد. مهم‌ترین بخش روش تحلیل ایشان نگاه توحیدی به تاریخ است. ایشان مفاد تاریخی را به ثنویت‌های توحیدی تبدیل می‌کند و سپس وقایع را حول آن ثنویت تحلیل می‌نماید.

ویژگی دیگر، تبیین فواصل زمانی در تاریخ است. ایشان به سه نوع تقسیم‌بندی زمانی در کتاب قائل است. معظم‌له صرفاً از طریق روایات موجود دربارهٔ ائمهٔ اطهار﵈ به تحلیل تاریخ نمی‌پردازد، بلکه از سایر مفاد تاریخ که حتی به‌ظاهر با زندگی ائمه﵈ بی‌ربط هستند نیز بهره می‌برد. رهبر انقلاب در سخنرانی چندان تمایلی به بیان منبع روایات تاریخی ندارد، اما گاهی به منبع نیز اشاره می‌نماید، در این حال برای خواننده، تسلط ایشان بر منابع محرز می‌شود.

ویژگی دیگری که در این پژوهش اثبات گردید، نگاه روشمند و راهبردی ایشان به تاریخ است که نشان‌دهندهٔ قواره‌مندی مطالعهٔ تاریخی رهبری است.

در این پژوهش به تعریفی نسبتاً جامع از روش تحلیل تاریخی *آیت‌الله خامنه‌ای* مبتنی بر کتاب ***انسان ۲۵۰ ساله*** رسیدیم. یافته‌ها عبارتند از:

۱. معظم‌له قائل به استفاده از علومی نظیر کلام و حدیث در تحلیل تاریخ بوده و دارای سبک خاصی در این خصوص است.

۲. مطالعات تاریخی ایشان روشمند بوده و دارای قابلیت تکرارپذیری برای محققان است.

۳. ابزاری برای مطالعه کتاب ***انسان ۲۵۰ ساله*** در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

۴. تعریفی دقیق از چگونگی استفاده از منابع در تحلیل‌های کتاب ارائه شد تا از این طریق بتوان به‌تبیین نظریات و قوانین علمی جدید در حوزه تاریخ و دیگر علوم پرداخت.

منابع

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی﵀ ۱۳۸۴، در: https://khl.ink/f/3294

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس دولت موقت و رهبران مجاهدین افغانستان، ۱۳۶۸، در: https://khl.ink/f/2195

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیهٔ همایش غزه، ۱۳۸۸، در: https://khl.ink/f/8952

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۰، در: https://khl.ink/f/3103

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱، در: https://khl.ink/f/3123

بیانات رهبر معظم انقلاب در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱، در: https://khl.ink/f/20840

حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۹، ***مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی***، چ هفدهم، تهران، سمت.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۵، ***انسان ۲۵۰ ساله*** (بیانات رهبر انقلاب دربارهٔ زندگی سیاسی ـ مبارزاتی ائمه﵈)، قم، مؤسسهٔ ایمان جهادی.

فیض، علیرضا، ۱۳۸۴، ***مبادی فقه و اصول***، چ هفدهم. تهران، دانشگاه تهران.

قائم‌مقامی، جهانگیر، ۱۳۵۸، ***روش تحقیق در تاریخ‌نگاری***، تهران، دانشگاه ملی ایران.

قمی، شیخ عباس، ۱۴۱۴ق، ***سفینةالبحار***، قم، اسوه.

کالینز، جان، ام، ۱۳۸۶، ***استراتژی بزرگ***، ترجمهٔ کورش بایندر، چ چهارم، تهران، وزارت امور خارجه.

ملائی توانی، علیرضا، ۱۳۹۰، ***درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ***، چ چهارم، تهران، نشر نی.